

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبهانگ راد

۰۳ فبروری ۲۰۱۹

ونزوئلا قربانی مظالم امپریالیستی

قدرت‌مداران بین المللی اینبار توپ تنش و هرج و مرج را در سرزمین ونزوئلا و آن‌هم به بهانه دفاع از دولت "مشروع" و "برقراری دموکراسی و آزادی" انداخته اند!

این اولین بار نیست که جهان شاهد چنین سیاست‌های سخیف و نابود کننده است. فلم نامه‌ها و دلایل، تکراری‌ست. همواره یکی دیکتاتور و دیگری سمت و سویش، به "مردم" و به "سازندگی" جامعه است. با تنش و با راه اندازی جنگ‌های تخریبی در صدد پس زدن "دیکتاتورها" هستند؛ قرار است جهان نابرابر را با چنین گزینه‌هایی راست و ریز کنند. سیاستی که ثمره و ماحصل آن در برابر دنیای انسانی است. در حقیقت افکار هر دو و یا چند سوی حاکمیت و سرمایه، در خدمت سهم‌بری بیشتر و چنگ انداختن به قدرت است، از جان مردم و از سرمایه‌های مملکت مایه می‌گذارند تا به اهداف منفعت‌طلبانه‌شان دست یابند. با این اوصاف و پیشاپیش می‌توان گفت که بازندگان اصلی جنگ و دعوی بالائی‌ها در ونزوئلا چه کسانی هستند؛ می‌توان گفت که قربانیان حقیقی مردم اند و چیزی جز، دربه دری، بدبختی و فلاکت بیش از این عایدشان نخواهد شد. در منطق حاکمان و سرمایه داران، نه نظر و نه رأی مردم به حساب می‌آید و نه توجهی به نیازهای اولیه‌شان می‌شود. چرا که همه سوی جدل، در تقابل با منافع میلیاردها انسان محروم، کارگر و زحمت‌کش سازمان داده شده است. پس، نه "سوسیالیسم" ادعائی «مادورو»ی جانشین «چاوز»، در خدمت به سازندگی و یا ساختن زندگی بهتر برای مردم - بوده و - می‌باشد و نه رئیس پارلمان و «گواپدو»ی عزل شده و انتخابی امریکا، قادر به باز گرداندن سرمایه‌های مملکت به صاحبان اصلی آن است.

به طور قطع زندگی مردم ونزوئلا به مانند زندگی دیگر توده‌های محروم جهان، دردآور و تکان‌دهنده است. فقر، گرانی و کوچ میلیون‌ها انسان ونزوئلایی به سرزمینی دیگر و آن‌هم به قصد زندگی "آرام‌تر"، حکایت حقیقی از دولت "سوسیالیسم"، «مادورو» دارد. حجم فساد دولتی، تورم سیزده هزار درصدی و به دنباله سرکوب اعتراضات مردمی، جامعه ونزوئلا را به چنین سمت و هرج و مرجی کشانده است. در بستر نارضایتی و به دلیل پشت کردن مردم به حاکمیت است که جناح‌های رقیب دولتی و آن‌هم با کمک قدرت‌های بزرگی همچون امریکا فرصت یافته اند تا با طرح شعارهای دروغینی همچون نابودی دیکتاتورها و برقراری دموکراسی، بر ناامنی و بر بی‌افقی جامعه بی‌افزایند. البته ونزوئلا از زمره تک نمونه‌ها نیست و از این‌دست موارد، در جهان بیش از هفت میلیاردی زیاد است. هر قاره جهان، پُر از لشکرکشی و پُر از جایگزینی عناصر و دولت‌های خودی در تقابل با دولت‌ها و جناح‌های رقیب است. هم‌زمان با

فروپاشی دیوار برلین و همچنین در دو و سه دهه اخیر و با بر سر میز گذاشتن سیاست "برقراری نظم نوین جهانی"، همه جا برای کارگران و زحمتکشان ناامن‌تر شده است؛ همه جا، جانیان بشریت تنش و جنگ به راه انداخته اند تا جنبش‌های اعتراضی و رادیکال احتمالی را منکوب کنند. با راه اندازی انقلابات رنگی، قومی و قبیله‌ئی، آرامش نیم بند را از میلیون‌ها انسان سلب کرده اند و به دنباله و با اتخاذ سیاست‌های کثیف، بذری انتخاب، میان بد و بدتر را در درون جامعه پاشیده اند تا سیستم سرمایه داری دست نخورده باقی بماند. وجود میلیون‌ها انسان بی‌کار و خروج میلیون‌ها تن دیگر برای یافتن زندگی در خور انسانی، بی‌آیندگی میلیون‌ها کودک کار و خیابانی، انتخاب حاشیه نشینی میلیون‌ها انسان و آن‌هم به دلیل ناتوانی از تأمین اولیه زندگی، تلف شدن میلیون‌ها تن دیگر در اثر جنگ‌های ارتجاعی و غیره، حاصل سیاست‌های مدعیان دروغین دست به دست شدن سرمایه‌های مملکت به جیب مردم است. شوربختانه گوشه‌ای از جهان سراسر مصیبت زده را نمی‌توان یافت که در اثر تنش و جنگ‌های ارتجاعی، آرام برای گذران زندگی میلیون‌ها انسان دردمند باشد. دود همه رقابت‌های بین بالائی‌ها و دار و دسته‌های‌شان، به چشم میلیون‌ها کارگر، زحمتکش، زنان، جوانان و کودکان رفته و خواهد رفت. چرا که سیستم حاکم بر جهان، سیستم سرکیسه کردن مردم و سیستم سمت و سو دادن زندگی انسان‌ها، به طرف زیر است؛ به این سبب که جنگ و دعوی آنان، جنگ و دعوی مردم نیست. از آنگولا، سودان، سومالی نیجریه و زیمبابوه گرفته، تا عراق، افغانستان، سوریه، لیبیا، یمن و غیره، به میدان تعارض قدرت‌مداران بین‌المللی تبدیل شده است؛ با راه اندازی تنش و جنگ، سیاست خود را به دیگر جوامع تحمیل می‌کنند، با به فلاکت کشاندن بیش از پیش مردم، بر سود و بر سرمایه‌های نجومی شان می‌افزایند. همه جناح‌های امپریالیستی به همراه دار و دسته‌های‌شان و آن‌هم به طور سازمانیافته در صحنه اند و مردم را با اتخاذ شیوه‌های فریبکارانه پس می‌زنند و آواره می‌کنند.

براستی سؤال این است اگر قرار بود که جهان و یا گوشه‌ای از آن، توسط دولت‌مداران بزرگی همچون ترمپ، مرکل، مکرون، پوتین و امثالهم، از شر دیکتاتورها و از شر نداری، فقر و بدبختی خلاص شود، آنوقت می‌توان - و یا می‌شود -، به سیاست طراحی شده در ونزوئلائی شان "خوشبین" بود. دولت‌ها و عناصر وابسته بدانان نیامده اند تا جهان را به مسیر آبادانی و سازندگی سوق دهند. در حقیقت عامل و عاملان چنین وضعیتی در هم ریخته، طبقه سرمایه داری و دولت‌مداران بزرگ جهانی اند. به یمن سلاح‌های پیشرفته و کشته‌ده، سوار بر سرمایه‌های مملکت شده اند و زندگی محروم‌ترین اقشار جامعه را به مسیر تباہی هر چه بیشتر سوق می‌دهند. هشدارهای‌شان به همدیگر دروغ، ریا و فاقد اعتبار است. همه آنان و علی‌رغم اختلافات صوری، وابسته به طبقه بالائی‌ها هستند و سیاست‌های‌شان، برابر با چپاول و برابر با غارت اموال عمومی‌ست. پیداست که دنیای بی‌نظم و در هم آشفته با انتخاب سیاست‌های مسببان چنین وضعیتی تغییر نخواهد کرد. در حیطه، در توان و در حقیقت در چینه آنان نیست تا سازمان متناسب با جهان انسانی را پی ریزند. کار و بارشان دزدی، تعرض به معیشت مردم و گسترش فساد اداری‌ست. از قیل چنین اوضاعی قادر به ادامه حیات اند و بنابراین انتظار افق زندگی بهتر و آن‌هم با هر رنگ و لعاب و الفاظی، همچون "سوسیالیسم" «مادورو»ئی و یا "دمکراسی و آزادی" خواهی «گوایدو»ئی، خیالی و پوچ است. سر و فکر هر دو، به بالائی‌ها وصل است و باید افکار و سازمان عریض و طویل آنان به زیر کشیده شود تا طمع و بوی سعادت و خوشبختی به مشام میلیون‌ها انسان دردمند ونزوئلا برسد.

به هر حال جامعه ونزوئلا به مانند دیگر جوامع پُر از تنش و جنگ، نیازمند عروج افکار و سازمان کمونیستی‌ست. تنها و تنها با سلب قدرت از جناح‌های متفاوت حاکمیت سرمایه داری‌ست که میلیون‌ها کارگر و زحمتکش ونزوئلا، از شر فقر، نگرانی و آوارگی رها خواهند شد. نوع بر سر کار آمدن و شکل حاکمیت همه عناصر و دولت‌ها، گواه این واقعیات

است که این عناصر و دولت‌ها منتخب مردم نیستند و باید کنار گذاشته شوند. در حقیقت باید گفت که عنصر تحمیلی و یا انتخابی سرمایه، به درد مردم نخواهند خورد، به این علت که مردم انتخاب خودشان را دارند و فقط و فقط از دل اعتراضات کارگری، توده‌ئی و انقلاب است که سازمان‌ها و رهبران حقیقی قد علم خواهند نمود و سکان و هدایت جامعه را در دست خواهند گرفت.

۲ فبروری ۲۰۱۹

۱۳ بهمن [دلو] ۱۳۹۷